

بررسی شاخص‌های اخلاقی معلم شایسته از نگاه قرآن

(با محوریت تفسیر «المیزان» و تفسیر «فی ظلال القرآن»)

مهدی عبادی^۱

سید ذبیح‌الله روحانی^۲

چکیده

در تحقیق پیش رو تلاش شده با اتکا به روش تحلیلی به بررسی شاخصه‌های اخلاقی معلم شایسته از نگاه قرآن با محوریت تفسیر المیزان و فی الظلال القرآن پرداخته شده است. از آن جای که بحث تعلیم و تربیت در آموزه‌های دینی و اسلامی بسیار اهمیت داده شده و به سرانجام رساندن این مهم بر دوش اولیاء و پیامبران و در زمان فعلی بر دوش معلمان جامعه اسلامی نهاده شده، به این نتیجه در دست می‌یابیم که معلمان هر جامعه حرکت و جهت آن جامعه را تعیین می‌کند؛ زیرا کودکان و جوانان را از اول تحت آموزش قرار می‌دهند. حال اگر معلمان خود فرهیخته و شایسته نباشد نمی‌تواند نسل کودک و نوجوان را که بهترین سنین برای آموزش و پرورش، سنین کودکی می‌باشد تأثیرگذار باشد. نقشی که در ذهن کودک می‌ماند تا آخر عمر با وی همراه است؛ لذا در این بررسی به شاخصه‌ها و شایستگی یک معلم از منظر آیات قرآنی و دینی اشاره نموده‌ایم و آنچه را که یک مربی باید داشته باشد را متذکر شده‌ایم و از دو تفسیر بزرگ «المیزان و فی الظلال القرآن» استفاده شده تا شاید گوشه‌ای از این ویژگی‌های شایسته، راه‌گشایی باشد برای تعلیم و تربیت افراد جامعه.

کلید واژه‌ها: معلم، شاخصه، شایسته، المیزان و فی الظلال القرآن.

۱. استادیار جامعه المصطفی سید العالمیه خراسان.

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی سید العالمیه خراسان.

مقدمه

هر حرفه‌وفنی به اخلاق خاص خود نیازمند است؛ برای مثال مدیریت به اخلاق متناسب با خود نیاز دارد. یک کارمند نیاز به اخلاق در عرصه‌ی کارمندی است. یک پزشک باید اخلاق پزشکی را بداند. حتی در هنگام رانندگی نیز همه ما باید با اخلاق رانندگی آشنا بوده و عامل به آن باشیم، زیرا در این عرصه نیز گاه مردم حقوق یکدیگر را زیر پا می‌گذارند و به یکدیگر بی‌احترامی می‌کنند و این به آن خاطر است که اخلاق رانندگی را نمی‌دانند یا رعایت نمی‌کنند؛ لذا این خیلی مهم است که ما در هر شغلی که هستیم اخلاق و فقه مربوط به آن شغل را بدانیم تا از ضربه‌های احتمالی شیطان در امان بمانیم. معمولاً از یک دانشمند و معلم انتظار می‌رود که نه تنها در تدریس متخصص باش؛ بلکه از لحاظ اخلاقی نیز نمونه باشد تا در جامعه شاگردان نمونه تربیت کند. شاخصه‌های اخلاقی معلم شایسته عبارت است از: آداب در تعلیم، صراحت در گفتار، ایمان، تقوا الهی، عفو و بخشش، سعه صدر و عمل مودبانه.

۱- آداب در تعلیم و تربیت

یکی از شاخصه‌های اخلاقی معلم نمونه و شایسته این است که معلم و مربی در برخورد با دانش‌آموزان رفتار شایسته داشته باشد و آداب معاشرت را با آن‌ها رعایت نمایند. معلم باید با کرامت نفس، با دانش‌آموزان برخورد نماید و به آنان شخصیت دهند و از صمیم قلب برای شخصیت دانش‌آموز احترام و ارزش قایل باشد؛ چون رعایت ادب چه در گفتار چه در رفتار و دوری از خشونت یکی از آداب دعوت پیامبران الهی به یکتا پرستی و زمینه‌ساز پذیرش نصیحت است؛ چنانچه خداوند متعال در سوره طه آیه ۴۴ به موسی و هارون درباره روش سخن گفتن با فرعون برای دعوت به بندگی خداوند متعال می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا لَعَلَّهُ یَتَذَكَّرُ أَوْ یَخْشَى» و با او کمال آرامی و نرمی سخن گویند، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند). خداوند متعال در این آیه به رسولانش (حضرت موسی و هارون) سفارش می‌کند که با فرعون که به گفته خود قرآن یک مستکبر است با نرمی باید سخن بگویند. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ۱۵۴). هم چنین قرآن کریم سبب قبول رسالت پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حمایت از آن حضرت را مهربانی و رعایت ادب با مردم بیان کرده است «فَیْمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَیْسَتْ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِیظًا لَاقَلْبًا لَآنْفِضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/ ۱۵۹) به (برکت)

رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند.

بنابراین پیامبر گرامی اسلام {صلی الله علیه وآله وسلم} که خود یک معلم و مربی بودند چگونه با مردم زمان جاهلیت رفتار می کردند؛ در تمام احتجاجات و استدلال‌شان که با منافقین و مخالفین دین اسلام داشتند نمی توان یک جمله‌ی را پیدا کرد که در آن اهانتی و یا ناسزایی به کفار و منافقین کرده باشند؛ در صورتی که کفار و مخالفین مکه هرروز به ایشان فحش و دشنام می دادند؛ ولی آن حضرت چون معلم و مربی برای بشریت بودند، جز به بهترین بیان و خیرخواهانه ترین وعظ پاسخ‌شان نمی دادند و جز به سلام از آنان جدا نمی شدند: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» جهالت پیشگان، خطابشان کنند سخن ملایم گویند و به آن‌ها درود می فرستند. (فرقان/۶۳)

قرآن در این آیه می فرماید: مؤمنین در بهشت در آسایش و آرامش بسر می برند و از سخنان پوچ و زشت در گفتارشان پرهیز می کنند و از هرگونه جدال و ستیزی و همدیگر را مؤاخذه کردن و مقصر دانستن دوری می کنند؛ چون اینان در دنیا نیز چنین بودن و در مقابل انسان‌های نادان از بکار بردن حرف‌های زشت دوری می کردند. (سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹)

پس حاصل و برگشت معنای این کلمه به این است که: نباید معلم و کسانی که وظیفه تربیت را به عهده دارند با جاهلان مقابله به مثل کنند؛ بلکه با آن‌ها با ملایمت رفتار نمایند تا گفتار آن‌ها در جامعه تأثیرگذار باشند.

هم چنین قرآن کریم داستان حضرت نوح و برخورد آن حضرت با قومش را چنین بیان می کند: ما می بینیم که پیروان تو همه افرادی بی سروپا و پست از این مردم‌اند و اگر ما نیز تو را پیروی کنیم مثل آن‌ها خواهیم شد، که این با شرافت ما منافات داشته و از قدر و منزلت اجتماعی ما می کاهد. در این گفتار اشاره‌ای هست به بطلان رسالت نوح {علیه السلام} و این اشاره از راه دلالت التزامی است، به این معنا که لازمه گفتار آنان این است که رسالت آن جناب باطل باشد، چون عقیده عوام مردم این است که هر سخنی اگر حق و نافع باشد اول پولدارها و اشراف و نیرومندان آن را می پذیرند و اگر این طبقه سخنی را رد کنند و طبقه پست جامعه یعنی بردگان و مستمندان که بهره‌ای از مال و جاه و مقام اجتماعی ندارند آن را بپذیرند، آن سخن خیری ندارد. (سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۱۸۷۳)

سومین سخن قوم نوح {علیه‌السلام} در برابر آن جناب ومؤمنین به او، این بود که گفتند: برتری وامتیازی در شما نمی‌بینیم «وما نرى لكم علينا من فضل» (هود/۲۷) منظور از اینکه به‌طور مطلق فضیلت نوح را نفی کردند، تنها فضیلت‌های مادی نیست، یعنی خواسته‌اند بگویند: تواز متاع دنیا چه داری که ما نداریم.

سخن دیگر قوم نوح {علیه‌السلام} خطاب به نوح وپیروانش: ما شما را دروغ‌گومی‌پنداریم «بَلْ نَطْنُكُمْ كاذِبِينَ» (همان) کلمه «بل» اعراض از مطالب قبل از خود را می‌رساند ودر اینجا اعراض از احتجاج قبلی را می‌فهماند پس حاصل معنای این جمله این است که ما نه‌تنها در شما فضیلتی نمی‌بینیم که پیروی‌تان را بر ما واجب کند، بلکه مطلب دیگری اینجا هست که ایجاب می‌کند ما شما را پیروی نکنیم و آن این است که ما شما را دروغ‌گومی‌دانیم. (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۳۰۴) ولی حضرت نوح با این برخوردهای توهین‌آمیز قومش چنین می‌فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ» (هود/۲۸) چیزی که هست قبل از هر سخنی اول با خطاب «یا قوم» با اضافه به ضمیر متکلم یعنی ای قوم من، ای هم‌وطنان من و امثال آن، عواطف آنان را تحریک نمود و این خطاب را مکرر و در آغاز هر سخنی تکرار کرد تا بدان وسیله دل ایشان را به‌سوی خود جلب کرده و در نتیجه خیرخواهی‌هایش مورد قبول آنان واقع گردد. (همان، ص ۳۰۵)

علاوه بر این، پیامبر گرامی اسلام {صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} به همه انسان‌ها احترام می‌گذاشت، حتی افرادی که از روی جهالت به او توهین می‌کردند، مورد توجه مثبت بدون شرط او قرار می‌گرفتند. تاریخ زندگی پیامبر گرامی اسلام {صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} مملو از رفتارهای احترام‌آمیز آن حضرت با مردم است. ایشان به عیادت افرادی می‌رفت که رفتارهای نامناسبی با آن حضرت داشتند و این پذیرش مثبت بدون شرط، پیش از سخنرانی‌های او موجب می‌شد که مردم جذب اسلام شوند و زمینه‌ساز هدایت آن‌ها بود. (طباطبایی، مباحث علمی در تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۰۱)

این آیات و روایات اگرچه در رابطه با عدم مقابله به مثل است؛ ولی این آیات و روایات بیان می‌کند، پیامبران که معلمان و هدایت‌گران بشریت هستند در صورت دشمنی دیگران مقابله به مثل نمی‌کنند؛ چه رسد نسبت به افرادی که آنها را تربیت می‌کنند و معلم آنهاست، معلمان و مربیان که وظیفه هدایت و تربیت دانش‌آموزان را دارد نیز نسبت به متربی و متعلم نباید از راه مجادله و مقابله به مثل وارد شود؛ بلکه با آنان با احترام و محبت باید سخن گفت تا سخن او به دانش‌آموزان و متعلم تأثیرگذار باشند؛ لذا قرآن

کریم داستان حضرت نوح را به عنوان نمونه می‌آورد تا مؤمنین و کسانی که وظیفه هدایت و آموزش را دارند چگونه رفتار نمایند.

از منظر سید قطب قرآن یگانه سرچشمه تمام اصول زندگی اجتماعی و فردی است و باید به قرآن اتکا کرد؛ بنابراین، اخلاق، تمام اسلوب و روش‌های حکومتی، سیاسی، اقتصادی و روش فرهنگی از تعلیم تا تعلم باید از سرچشمه (قرآن) اخذ شود و در تمام امورات زندگی فقط به قرآن اتکاه نمود (سید قطب، نشانه‌های راه، ص ۱۹) همان‌طور که آمد آیات زیاد در قرآن آمده است که پیامبران {علیهم‌السلام} چگونه در راه هدایت بشریت صبور بودند و ادب را نسبت به آن‌ها رعایت می‌کردند؛ اگرچه بعضی از آن‌ها پیامبران را اذیت می‌کردند، ولی پیامبران در مقابل آن‌ها هیچ واکنش بدی از خود نشان نمی‌داند؛ بلکه بر عکس با آن‌ها رفتار نیک داشتند؛ لذا معلمی شایسته است که در برخورد با دانش‌آموزان ادب را رعایت کند و با اخلاق شایسته دانش‌آموزان را هدایت و به سوی ترقی و تکامل رهنمون سازند.

معلم نه تنها در تدریس و کلاس درس ادب را رعایت نماید، بلکه آداب و رسوم اجتماعی را نیز مراعات کند؛ زیرا در بعضی موارد موفقیت یک معلم در تدریس و آموزش مرهون مراعات آداب و رسوم اجتماعی است و در زندگی رمزی است برای توفیقات یک معلم خوب باید مودب باشد تا شاگردانی مودب تحویل جامعه بنماید؛ چون معلم خوب و با ادب شاگرد خوب و با ادب تحویل جامعه می‌دهد.

۲- عفو و بخشش

یکی دیگر از شاخصه‌های اخلاقی معلم شایسته، بخشندگی و آسان‌گیری است. معلمین نسبت با دانش‌آموزان باید بخشنده باشند؛ چون اصل سهولت و بخشندگی از اصول تعلیم و تربیت در دین اسلام است؛ لذا اگر مربیان و معلمان در تربیت و تدریس این اصل را مورد توجه قرار دهند و از تدابیر تربیتی آسان استفاده کنند و نسبت به دانش‌آموزان و مربیان سختگیری نکنند و بخشنده باشند، مربیان و دانش‌آموزان با میل و رغبت مطالب و دستورات معلم را می‌پذیرند؛ ولی اگر معلمان و مربیان سختگیری کنند و بخشندگی نداشته باشند، انگیزه مدرسه رفتن و گوش دادن و یاد گرفتن درس در دانش‌آموزان زایل می‌گردد و دل‌ها می‌میرد و نتیجه تدریس و تربیت معکوس خواهد شد؛ (بهشتی، ابو جعفری، نقیبی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ص ۲۲۴) ولی

در صورتی که برای دانش‌آموزان انگیزه برای ترقی و تکامل و همچنین برای آموختن وجود داشته باشد و در این صورت دانش‌آموزان با شرایط گوناگون و شیوه‌های تربیتی خودشان را وفق می‌دهند و خودش راه را برای درس و مدرسه آماده می‌کند؛ چون انگیزه مدرسه رفتن و آموزش و تعلیم در وجودش شعله می‌کشد، از آنجایی که در تعلیم و تربیت، انسان موضوع تربیت است در صورتی پذیرای تربیت می‌شود که انگیزه وجود داشته باشد، انگیزه زمانی به وجود می‌آید که معلمان و مدیران مدرسه نسبت به متعلمین بخشنده و آسان‌گیر باشند.

خداوند متعال در قرآن کریم خودش را بخشنده و غفار الذنوب خطاب می‌کند: «غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ» (غافر/۳) «آمرزنده گناه و پذیرنده توبه...» غافر الذنب و قابل التوب به منزله یک صفت است و یک رفتار خدا با بندگان گنه‌کار را افاده می‌کند و آن این است که آن‌ها را می‌آمرزد، چیزی که هست گاهی با توبه و گاهی بدون توبه و با شفاعت. پس مقتضای غافر الذنب و قابل التوب بودن خدا، این است که هر فردی را که لیاقت و استعداد آمرزش و قبول شدن توبه را داشته باشد، او را بیامرزد و توبه‌اش را قبول کند. (طباطبایی، میزان، ج ۱۷، ص ۴۶۰، سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ۵۱۵)

برخورداری معلم از رحمت و مهربانی در فرایند تربیت، با توجه به پیچیدگی و حساسیت خاص آن، امر بسیار مهمی است. هر معلم و مربی در خلال تدریس با شاگردانی سروکار دارد که از منظر استعداد و توانایی با هم مختلف و هرکدام دارای نقاط قوت و ضعفی هستند، ممکن است دانش‌آموزان مرتکب خطای شوند. در این صورت معلم شایسته معلمی هست که علاوه بر گذشت از خطای ایشان، آن‌ها را مورد لطف و رحمت خود قرار دهد. خداوند متعال نیز در بیشتر موارد، ویژگی غفور بودن را با ویژگی رحیم بودن، همراه کرده است.^۱

۱- خداوند در آیات بسیاری با کاربرد دو واژه «غفار» و «غفور»، این ویژگی مهم تربیتی خود را یادآور شده است- این دو واژه در ادبیات عرب، صیغه مبالغه هستند و بر کثرت ویژگی خطاپوشی دلالت دارند- خداوند در خطابی لطیف و شوق آفرین فرموده است: نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ حجر، آیه ۴۹؛ «ای پیامبر! به بندگانم این پیام را برسان که من بسیار آمرزنده و مهربانم» همچنین در آیاتی با موصوف قرار دادن واژه «رب» که به طور صریح ناظر به بعد مربی بودن خداوند است، به نقش این صفت در تربیت اشاره کرده است- برای نمونه، می‌توان به این آیات

معلم که از صفات بخشندگی برخوردار است در صورتی که یکی از دانش‌آموزان مرتکب اشتباه شود با عذوفت و مهربانی به او گوشزد می‌کند که این کار اشتباه است و این کار درست. آنگاه او را نصیحت می‌کند تا بار دیگر آن خطاها را تکرار نکند و در برابر کارهای که درست انجام داده آفرین می‌گوید و تشویق می‌کند و با وعده و سپاس‌گزاری خود، دل گرم می‌سازد و مجدداً دستور می‌دهد تا بار دیگر آن تکلیف را انجام دهد و این روش را همچنان ادامه می‌دهد تا شاگرد در فن خود کامل گشته، زحماتش به نتیجه برسد. سید قطب، نشانه‌های راه، (ص ۵۸)

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام {صلی‌الله علیه وآله وسلم} آمده است: «عَلِّمُوا وَلَا تَعْنَفُوا، فَإِنَّ الْمَعْلَمَ خَيْرٌ مِنَ الْمُعَنَّفِ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹) معلم و آموزگار باشید و درس شما ززمه محبت باشد پیامبر گرامی اسلام {صلی‌الله علیه وآله وسلم} در این حدیث به معلمان و اساتید توصیه می‌کند که در تعلیم خود سختگیر نباشید و مسئله تعلیم را بر مردم ناهموار نسازید؛ زیرا معلم و آموزگاری که با آمیزه محبت تعلیم می‌دهد و بخشنده است، از انسان سخت‌گیر بهتر و باارزش‌تر است؛ دانش‌آموزان با معلم که با آن‌ها رابطه محبت‌آمیز دارند بهتر و راحت‌تر رابطه برقرار می‌کند و خجالتی‌ترین دانش‌آموز با معلم به راحتی گفتگو می‌کند و مشکلات درسش را از معلم سؤال و آن را بر طرف می‌کند؛ بنابراین یکی از شاخصه‌های معلم برتر بخشندگی، گذشت و آسان‌گیری است که معلم با شاگردان خود با گشاده‌رویی و محبت برخورد کند و اگر یکی از دانش‌آموزان مرتکب خطای شوند با او راه عفو و بخشندگی که یکی از صفات خداوند متعال است در پیش گیرد.

۳- سعه صدر

در نظام تربیتی اسلام نقش معلم در شکل‌گیری شخصیت متعلمین، ساختار روانی و رفتاری او انکارناپذیر است؛ لذا پیامبر گرامی اسلام {صلی‌الله علیه وآله وسلم} به عنوان

اشاره کرد: سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (یس، آیه ۵۸)؛ إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل، آیه ۱۱۹) و إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ (نجم، آیه ۳۲) خداوند متعال نه تنها به وجود این ویژگی در خود اشاره کرده است، بلکه بندگان و متریبان خود را به استغفار و طلب بخشش فرا می‌خواند: اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (نوح، آیه ۱۰) -

یک مربی نمونه و الگویی همه بشریت هدف از رسالت خود را تعلیم و تربیت اعلام می‌کند. (شهید ثانی، منیة المرید، ص ۲۲۸). از طرفی هم حرفه معلمی هم‌تراز شغل پیامبران است؛ چون هدف از رسالت پیامبران الهی هدایت و تربیت انسان‌هاست. هدف از تعلیم و دانش، نیز تربیت و رساندن شاگردان به کمال واقعی است. اهمیت و جایگاه معلم در زندگی بشریت نشان می‌دهد که معلم اگر بخواید در تدریس و تربیت و رشد دانش‌آموزان موفق باشد باید از سعه‌صدر، اعصاب آرام، سالم و قوی برخوردار باشند. تا در برابر مشکلات و سختی‌های تدریس و تربیت شاگردان زود عصبانی نشود.

به همین جهت امیرالمومنین علی {علیه‌السلام} سعه‌صدر و بردباری را ابزار ریاست و رهبری در جامعه معرفی می‌کند: «أَلَّهُ الرَّيَاسَةَ سَعَةُ الصَّدْرِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶) وسیله ریاست، سعه‌صدر (وتحمل بسیار) است.

امام {علیه‌السلام} در این جمله کوتاه، ولی مفید می‌فرماید هر فردی که در جامعه مسئولیتی را به عهده می‌گیرد به ابزارهای زیادی نیازمند است، یکی از ابزار وسیله‌ی که یک مسئول به آن نیاز دارند سعه‌صدر، تحمل و بردباری است، سعه‌صدر یک وسیله کار است؛ مثل این که یک منشی دفتر نیازمند به خودکار، جراح نیازمند به چاقو و ابزارهای دیگر است، ابزار یک معلم و مربی سعه‌صدر و بردباری است بنابراین معلم و مربی در تدریس موفق است که سعه‌صدر و بردبار باشد؛ لذا اگر معلم فاقد چنین ابزاری باشد به اهدافش (تعلیم و تربیت دانش‌آموزان) نخواهد رسید. سعه‌صدر برای معلم لازم و ضروری است معلم بدون این صفت معلم بدون تخته سیاه و خودکار است.

قرآن کریم نیز با توجه به اهمیت سعه‌صدر برای معلمان و مربیان چنین می‌فرماید: وقتی حضرت موسی {علیه‌السلام} مأمور شد با فرعون روبرو شود و فرعون را که ادعایی خدای می‌کرد «قَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (النازعات/۲۴) به توحید و یکتاپرستی دعوت کند. خطاب شد؛ در برخورد با فرعون صبور و بردبار باش و با نرمی صحبت کن تا فرعون دست از طغیانگری بردارد: «أَذْهَبًا إِلَى فِرْعَوْنَ أَن هَا طَعَى، فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى». (طه/۴۳ و ۴۴) قرآن در این آیه می‌فرماید: مبارزه با چنین کسی نیازمند تحمل و سعه‌صدر زیاد است: «أَذْهَبًا إِلَى فِرْعَوْنَ أَن هَا طَعَى» حضرت موسی، نیز طغیان، زورگویی و شکنجه فرعون را نسبت به قوم و قبیله خود دیده بود؛ و نیز از ضعف و اسارت بنی‌اسرائیل در میان آل فرعون با خبر بود و می‌دانست چقدر جاهل و کوتاه‌فکرند و گویا خبر داشت که دعوتش چه شوائب و مصائبی به بار می‌آورد و چه فجایعی را باید ناظر

باشد، از سوی دیگر حال خود را هم می‌دانست که تا چه حد در راه خدا بی‌طاقت و کم‌تحمل است، آری او به هیچ وجه طاقت نداشت ظلم قبطیان را ببیند، داستان کشتن آن قبطی و نیز داستان آب کشیدنش بر سر چاه مداین برای دخترانی که حریف مردان نبودند، شاهد ابا داشتن او از ظلم و ذلت است. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۲۰۲) با این مشکلات و سختی‌ها در این مسیر؛ ولی حضرت موسی با رویاروی و هدایت چنین حاکمی طغیان‌گری از خداوند نیرو و سپاه و امکانات نخواست؛ بلکه از خداوند متعال استقامت، ماندگاری، تحمل و بردباری که مهم‌ترین ابزار تبلیغی انبیاء الهی است درخواست نمود. (سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۵۲۴) «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه/۲۵)؛ لذا عرضه داشت: خدایا اگر قرار است که معلم شوم، وسیله معلمی را به من بسیار و مرا مسلط بر اعصاب و دریادل کن؛ تا با مشکلات مبارزه کنم و بتوانم مانند دریا همه چیز را در خود هضم کنم. (سید قطب، ص ۵۲۵)

سپس حضرت موسی {علیه‌السلام} می‌گوید: خدایا به من شرح صدر عنایت کند تا کارم آسان شود تا قادر باشم مقابل دشمن حرف بزنم. «وَإِخْلُ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي». (طه/۲۷) این درخواست حضرت موسی {علیه‌السلام} به این جهت است. افرادی که بر اعصاب خود تسلط ندارند، طبعاً هنگام صحبت کردن در مقابل دیگران دچار لکنت می‌شوند در این صورت نمی‌توانند از لغات مناسب استفاده کند «يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه/۲۸)؛ لذا حضرت موسی به عنوان یک مربی و معلم از خداوند تقاضا می‌کند که در این وظیفه دشوار و سخت به او سعه‌صدر و بردباری عطا نماید؛ چون بدون داشتن ابزار سعه‌صدر توانایی مقابله با دشمن خطرناک مانند فرعون سخت و مشکل است.

براین اساس معلم به عنوان هدایت‌گر نسل جوان، باید بداند وظیفه‌ی او چقدر سخت و پرمشقت است به خصوص در شرایط فعلی که جوانان هر لحظه و ساعت با پرسش‌های جدید در مورد دین، زندگی و... روبروست؛ لذا رسیدن به هدف و موفقیت در این راه نیازمند شکیبایی و صبر زیاد است.

سختی‌های کار معلمی بر کسی پوشیده نیست، سطح پایین فرهنگی و اخلاقی بعضی از دانش‌آموزان کار معلمی را بسیار مشکل می‌نماید، بخصوص وقتی که دانش‌آموز سخت‌ناسپاس و قدر نشناس باشد، ولی این موضوع نباید در کار معلمی خللی وارد نماید، هرچند بعضی از متریبان سخت‌اصلاح‌پذیر هستند؛ ولی یک معلم خوب و شایسته می‌بایست با اقتدا به انبیای الهی سعه‌صدر و بردباری و قدرت تفهیم و اثرگذاری را از خدای متعال

مسئلت نماید و کار خود را به نحو احسن انجام دهد و در مقابل مشکلات و سختی‌های تعلیم و تربیت سعه‌صدر و بردبار باشد.

۴- تواضع

تواضع یکی از ویژگی‌های مهمی که یک معلم خوب باید داشته باشد. فروتنی، نرمش و تواضع است که بسیار کارساز و اثرگذار است. معلمان نباید نسبت به شاگردان خود رفتاری تکبرآمیز را در پیش گیرند و نسبت به آن‌ها بزرگی ورزند؛ بلکه باید فروتنی و نرمش را در برخورد با شاگردانشان به کار برند. خداوند متعال به پیامبر خود می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (شعراء/۲۱۵) پروبال خود را برای پیروان خود (که با پیامبری خود در ایمان به تو اظهار علاقه می‌کنند) بگستران (نسبت به آنان متواضع و فروتن باش).

رسول خدا {صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرمود: خداوند متعال به من وحی نمود که به شما اعلام کنم تا تواضع و فروتنی را پیشه خود سازید، هیچ صدقه و انفاق مالی به بینوایان از مال و ثروت انسان نمی‌کاهد، خداوند متعال به خاطر عفو و گذشت از افراد، بر عزت و سرافرازی شخص می‌افزاید و هر فردی که تواضع و فروتنی را پیشه خود سازد، در سایه‌ی رحمت پروردگار از مقام والا و شخصیتی ارجمند برخوردار می‌گردد.

علاوه بر این که باید میان شاگردان و معلم ملازمت و همبستگی برقرار باشد، باید شاگردان در پی جویی از دانش‌ها و معارف سودمند به او تکیه کنند و رای و نظر او را ملاک و معیار ارزیابی علوم و دانش‌ها و شئون مختلف زندگانی خود بدانند. مضافاً بر این باید دانست میان معلم و شاگردان حقوق متقابل دیگری از قبیل حق مصاحبت، هم‌نشینی، احترام در رفت‌وآمد، ملاقات، برخوردها، محبت و دوستی راستین، عاری از هر نوع شائبه و امثال آن‌ها باشند.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام {صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} آمده است: «عَلِّمُوا وَلَا تَعْنَفُوا، فَإِنَّ الْمَعْلَمَ خَيْرٌ مِنَ الْمَعْنَفِ» (نهج الفصاحه، ۱، ص ۵۶۸) تعلیم دهید و خشونت نکنید که آموزگار بهتر از خشونت‌گر است.

در تعلیم خود سختگیر نباشید و مسئله تعلیم را بر مردم ناهموار نسازید؛ زیرا معلم و آموزگاری که با آمیزه محبت تعلیم می‌دهد از انسان سخت‌گیر بهتر و باارزش‌تر است؛ بنابراین لازم است معلم خود را فزون‌تر از آنچه بر دیگران ضروری و لازم است نسبت

به شاگردانش به هنگام برخورد با آن‌ها بهبود بخشیده و با آن‌ها رفتار خوش را بر اساس حسن سلوک، لطف و محبت تنظیم نماید، با شاگردان خود با شادابی و گشاده‌رویی و اظهار شادمانی و محبتی خوشایند و صمیمانه و ابراز دلسوزی و احسان به آن‌ها از طریق وزن علم و جاه و مقام و گرامیداشت آن‌ها در حد وسع وامکانات برخورد کند.

شایسته و به‌جا است که تمام شاگردان بخصوص شاگردان فاضل و برجسته را با کنیه و نام فامیلی و روی هم رفته با محبوب‌ترین نام‌ها و القاب مورد خطاب قرار دهد به‌گونه‌ای از آنان و نام آن‌ها یاد کند که موجب حفظ حرمت، شخصیت، وقار، ارزش مقام و منزلت آنان بوده و از گزند تحقیر و توهین مصون بمانند. رسول‌الله {صلی‌الله‌علیه‌وآله} برای رعایت احترام و بزرگداشت شخصیت یاران خودش از آنان با کنیه و نام و عنوان محبوب آن‌ها یاد می‌کرد؛ زیرا آن حضرت از این طریق موفق می‌شد که شرح صدری در آن‌ها به وجود آورده و قوت قلب بیشتری به یاران و اصحاب خود بخشیده، عرصه و مجال درخواست و تقاضا و سؤال آن‌ها را گسترده و آزاد ساخت و محبت آنان را بیش‌ازپیش به خود جلب نماید، بدیهی است که رعایت احترام و بزرگداشت شخصیت دیگران از طریق خطاب به نام‌های محبوب آنان در مورد افرادی که انسان به پیروزی و رستگاری آن‌ها چشم امید دوخته و می‌خواهد سلاح و شایستگی شخصیت آن‌ها را پدیدار و شکوفا سازد لازم‌تر و ضروری‌تر است؛ لذا معلم در این اصل نسبت به شاگردان وظیفه خطیرتری به عهده دارد معلم باید در رابطه خود با شاگردانش از سخنان و سفارش‌های رسول خدا الگو، نمونه و سرمشق بگیرد که فرمود: توده مردم پیرو شما علما و دانشمندان هستند و مردم به‌منظور کسب بصیرت و بینش دینی به شما روی می‌آورند؛ آنگاه که شما را دریابند و نزد شما آیند لازم است نسبت به آن‌ها خیراندیشی نموده و با رفتار نیکو آنان را سرشار و برخوردار سازید: «انَّ النَّاسَ لَكُمْ تَبَعٌ وَإِنَّ رَبَّجَالاً يَأْتُونَكُم مِّنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ يَتَّفِقُونَ فِي الدِّينِ فَإِذَا أَتَوْكُمْ فَاسْتَوْصُوا بِهِمْ خَيْرًا». (صحیح ترمذی، حدیث ۲۶۵۰)

به‌طورکلی عالم و دانشمند نسبت به شاگرد همچون طبیب نسبت به بیمار است که باید بیماری جهل و نادانی را در شاگرد درمان کند؛ بنابراین باید از هر دارو و عاملی که برای شفای عمومی بخش به نظر می‌رسد استفاده نماید؛ زیرا بیماری روحی جهل و نادانی از هر نوع بیماری بدنی قوی‌تر و سخت‌تر می‌باشد؛ زبان بیماری جهل و بی‌سوادی از تمام بیماری‌های بدنی بیش‌تر و خطرناک‌تر است، گاهی ممکن است به علت اختلاف مزاج و طبایع شاگردان عکس آنچه را که یاد نمودیم، باید به عنوان عامل مصلحت

شاگرد و داروی درمان‌بخش قابل بهره‌برداری باشد؛ یعنی ممکن است گاهی به‌ندرت عامل محبت و احترام به شخصیت شاگرد به‌جای آن که او را به فضائل اخلاقی و ترک ردائیل و خودداری از تخلف رهنمون گردد؛ زیرا مقرون ساخته و موجب خودباختگی شود. در چنین صورتی باید معلم مراقب باشد تا چه نوع رفتار و راه و روشی را با شاگردان مختلف در پیش می‌گیرد و در برخی از موارد معلم ناگزیر می‌گردد برای نهدی از تخلف با خشونت و شدت لحن رفتار کند و به‌جای نرمش از درشت‌خویی و خشونت و احیاناً تنبیه بدنی آن هم به‌صورت خفیف استفاده نماید. (حجتی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۷۶)

یکی دیگر از نشانه‌های تواضع، اقرار به کمال دیگران است، بدان معنا که معلم نکات خوب شاگردان را تقویت کند و در جمع از آن تعریف کند، گاهی شاگردان دارای نبوغ بیشتر از معلمان هستند؛ گاه در مورد خاصی معلم با درک این مطلب باید به آن اقرار کند و با تشویق به شکوفایی بیشتر از تعداد شاگردان پردازد و هیچ‌وقت کتمان نکند. تواضع و فروتنی برای یک عالم و معلم جامعه آن‌قدر مهم است که با نداشتن این خصیصه ممکن است، معلم یک جامعه را به پرتگاه بکشاند و شاگردان را از این نعمت به دور سازد، کبر و غرور و تعصب را اشاعه کند که عکس تواضع می‌باشد.

۵- نرم‌خویی و مهربان بودن

نرمی تنها در سخن نیست؛ بلکه در برخوردها نیز لازم است؛ چرا که با نرمی و مهربانی مردم به دین خدا کشیده می‌شوند، به تجربه ثابت شده است که با زور واکراه نمی‌توان کسی را هدایت نمود، به فرموده قرآن: «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ (یونس/۹۹) آیا تو می‌توانی همه را با جبر واکراه مؤمن گردانی.

مهربانی با مردم، با زبانی ملایم مردم را جذب می‌کند، تندخویی و بدزبانی و سخت بودن آن‌ها را از دین خدا دور می‌سازد.

پیروان پیامبر دارای دو صفت می‌باشند: اول سرسختی در مقابل دشمن و دوم دوستی و رأفت در میان دوستان. شاید در بین فضایل انسانی فضیلتی به این بزرگی خصوصاً برای معلمان نداشته باشیم آن‌چنان که از قرآن استفاده می‌شود. در صفات خداوند صفتی بالاتر و بهتر و نورانی‌تر از رأفت و مهربانی نداریم؛ لذا در قرآن شریف اول صفتی که برای

پروردگار آورده شده است و ۱۱۴ مرتبه نیز تکرار گردیده است همین صفت است: «فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَقَضْنَا مِنْ حَوْلِكَ»؛ (آل عمران/ ۱۵۹) به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند.

اگر کلمه رفت یا رحمت را در قرآن بررسی کنیم شاید نزدیک هزار جا پروردگار عالم این صفت را بر خود اطلاق کرده است، گویا وقتی شما به کلمه رحمان و رحیم و یا در فارسی به کلمات رثوف و مهربان نظر کنید می‌بینید که سر تا پای آن نور خوابیده است. کلمه‌ای است پر از نور مثل عاطفه و مثل مادر که از آن نور می‌بارد. اگر به کلمه مادر توجه نمایید می‌بینید که علاوه بر نورانیت سرپای این کلمه عاطفه است که پروردگار عالم روی این کلمه خیلی اصرار دارد و مخصوصاً برای معلم‌ها خداوند روی کره زمین اول معلم آورد، بعد سایر مخلوقات را از الطاف خفیه و جلیه خود اینکه اول پیامبر آمد و بعد مخلوق مکلف در این کره پیدا شد. حضرت آدم(ع) معلم بود، در قرآن می‌خوانیم که پروردگار یک معلم را با دست خود تربیت می‌کند؛ یعنی موسی وقتی بزرگتر شد او را زیر دست معلم دیگر می‌فرستند. ۱۰ سال نیز شاگردی حضرت شعیب را می‌کند، در این میان کار او هم با وظیفه معلمی مطابقت دارد، کار شبانی که صبر و حوصله بسیار نیاز دارد و باید به اندازه‌ای پایین آمد که با گوسفندان ساخت؛ لذا این معلم ۱۰ سال به شبانی مشغول بود و ضمن زیر نظر یک معلم دیگر در حال تربیت شدن بود تا معلم شد. سپس از جانب خداوند خطاب می‌شود، می‌فرماید: «أَذْهَبَ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي - أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ أَن هَا طَعَىٰ - فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»؛ (طه/ ۴۳ و ۴۴). تو و برادرت با نشانه‌هایی برو به سوی فرعون که ادعای خدایی می‌کند و آن قدر با نرمی بگوئید که تا شاید هدایت شود یا بترسد.

خداوند دوست دارد که حتی فرعون هم هدایت شود. اکنون که قصد کلاس رفتن و هدایت او را دارید مهربان باشید، با مهربانی و نرمی با فرعون صحبت کنید و برای اینکه خداوند دوست دارد که او اصلاح شود.

جاذبه‌هایی که در عالم وجود دارد نظیر قوه جاذبه‌ای که در کهکشان‌ها است و یا جاذبه‌ای که در بین حیوانات است، تمام عنایاتی که به عالم شده است، همه از رحمت خداوند است. در روایات می‌خوانیم که پروردگار می‌فرماید من آن قدر مهربانم که رحمت

خود را به صد قسمت تقسیم کرده‌ام و یک قسمت را به عالم وجود داده‌ام. (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴)

محبتی که در عالم هست، نظیر آن که مادر برای فرزند خویش، خود را به زحمت می‌اندازد و یا این جاذبه‌ها و عشق‌ها که در میان انسان‌ها دیده می‌شود، در میان کل موجودات، تنها از یک قسمت رحمت الهی است و مابقی رحمتش، صد برابر رحمت همه مخلوقات است، این همان اولین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده است و در آن می‌فرماید که خداوند معلم است، وقتی که در قرآن کریم راجع به پیامبران مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم خطاب به پیامبر اکرم(ص) که بالاترین پیامبر است، می‌فرماید: ما تورا فرستادیم تا رحمت و رأفت برای همه باشی: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (سوره انبیا/۱۰۷)

همچنین در میابیم که پیامبران برای این صفت والا خیلی خون جگر خوردند. همین صفت، لطف و مهربانی حق است که یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر را برای هدایت فرستاده.

وقتی در کار این معلمان راستین دقت کنیم، می‌بینیم که اگر هم پیامبران جنگیدند یا تحمیلی بود و یا اینکه مجبور بودند که غده‌های سرطانی جامعه را از بین ببرند. (مظاهری، ویژگیهای معلم خوب، ص ۳۸)

آنگاه کفار قریش دیدند کار پیامبر بالا گرفته است، مصمم شدند که ایشان را خاموش کنند و از کارش بازدارند؛ لذا بچه‌ها را وادار می‌کردند که این معلم را سنگ‌باران کنند و نگذارند سر کلاس برود و با مردم تماس داشته باشد. (بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۵)

وقتی برای تبلیغ از خانه بیرون می‌آمد، ارادل سنگ به ساق پای ایشان می‌زدند؛ اما فردای همان روز برای رفتن به کلاس آماده می‌شدند. جناب خدیجه(س) می‌پرسید کجا می‌روید؟ پیامبر {صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} می‌فرمود: نمی‌بینی که مردم در هلاکت هستند؟ همانا من باید رأفت داشته باشم، آن‌ها بد هستند، آن‌ها به‌طرف من نمی‌آیند، من باید بروم. (مظاهری، ویژگیهای معلم خوب، ص ۳۸)

هنگامی که پیامبر مبعوث شد دلش برای مردم می‌تپید؛ حتی برای کسانی که به او سنگ پرتاب می‌کردند و او را زندانی می‌کردند، پیامبر برای آن‌ها دعا می‌کرد.

۲۳ سال با این زحمت و رنج تحمل کرد؛ اما با عاطفه و رحمت عمل کرد و هنگامی که به مکه مسلط گردید، اول کار بت‌ها را شکست تا زمینه را برای تربیت فراهم کند و بعد میان حلقه‌ی خانه خدا را گرفت و همه آن نانجیب‌ها و فراری‌ها همان‌ها که زیر بار شاگردی نمی‌رفتند و به استاد سنگ می‌زدند، اینک ترسان در مقابلش ایستاده بودند و خیال می‌کردند حالا معلم شاگردان را تنبیه می‌کند، در این فکر بودند که به دستور پیامبر {صلی‌الله علیه وآله وسلم}، حضرت علی {صلی‌الله علیه وآله وسلم} گردن آن‌ها و امثال هند جگرخوار و ابوسفیان را قطع می‌کند. پیامبر دعای وحدت را خواندند؛ سپس رو به آنان کردند و فرمودند: با شما چه کنم؟

من که می‌خواستم شما را هدایت کنم؛ اما در مدت ۱۰ سال ۷۲ جنگ و من تحمیل کردید، اینک با شما چه کنم؟ همه گفتند: که هرچه کنی حق داری پیامبر تبسم کردند و با یک دنیا رأفت فرمودند: همان کلمه‌ای که برادرم یوسف به برادرانش گفت من نیز همان را به شما می‌گویم گذشته‌ها گذشته است اینکه بیایید به کلاس و آدم شوید.

نتیجه

از بررسی مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که معلم شایسته در حوزه اخلاق باید مدیریت اخلاقی داشته باشد. اخلاق برای همه انسان‌ها پسندیده و امر مطلوب است و ولی برای یک معلم که از شایستگی خوبی برخوردار است، از وی بیشتر انتظار می‌رود. مواردی اخلاقی که شایسته از آن برخوردار باشد عبارت‌اند از: - ادب در تعلیم و تربیت، عفو و بخشش، سعه‌صدر، تواضع و نرم‌خوی که در این تحقیق از قرار ذیل بررسی گردید:

۱- رعایت ادب در تعلیم و تربیت یکی از شاخصه‌های اخلاقی معلم شایسته است. معلم و مربی در برخورد با دانش‌آموزان باید آداب معاشرت را با آن‌ها رعایت نمایند. در این مورد حفظ کرامت نفس که همان کرامت انسانیت است، در قبال دانش‌آموزان مراعات کند و به آنان شخصیت دهند و از صمیم قلب برای شخصیت دانش‌آموز احترام و ارزش قائل باشد؛ چون رعایت ادب چه در گفتار چه در رفتار و دوری از خشونت یکی از آداب دعوت پیامبران الهی به یکتاپرستی و زمینه‌ساز پذیرش نصیحت آن‌ها در یکتاپرستی بوده است.

۲- شاخصه‌های اخلاقی معلم شایسته، گذشت، بخشندگی و آسان‌گیری نسبت به دانش‌آموزان است. سهولت در تعلیم، عفو و گذشت از اصول تعلیم و تربیت در دین

اسلام بوده و انبیاء الهی این اصل توجه خاصی داشته‌اند؛ لذا اگر مربیان و معلمان در تربیت و تدریس این اصل را مورد توجه قرار دهند و از تدابیر تربیتی آسان استفاده کنند نسبت به دانش‌آموزان و مربیان سختگیری نکنند و بخشنده باشند، مربیان و دانش‌آموزان با میل و رغبت مطالب و دستورات معلم را می‌پذیرند.

۳- از دیگر شاخصه‌های تربیتی معلم شایسته، سعه‌صدر در شکل‌گیری شخصیت متعلمین است. هدف از تعلیم و دانش، نیز تربیت، رساندن شاگردان به کمال واقعی است. اهمیت و جایگاه معلم در زندگی بشریت نشان می‌دهد که معلم اگر بخواهد در تدریس و تربیت و رشد دانش‌آموزان موفق باشد باید از سعه‌صدر، اعصاب آرام، سالم و قوی برخوردار باشند. تا در برابر مشکلات و سختی‌های تدریس و تربیت شاگردان زود عصبانی نشود.

۴- تواضع یکی از ویژگی‌های مهمی که یک معلم خوب باید داشته باشد. معلمان نباید با مواجهه به دانش‌آموزان رفتاری متکبرانه داشته باشند و نسبت به آن‌ها بزرگ‌نمایی در پیش گیرند. وظیفه هر معلمی این است که نسبت به دانش‌آموزان که به‌منزله فرزندان او هستند علاوه بر این که باید میان شاگردان و معلم ملازمت و همبستگی خوبی برقرار باشد و نیز شاگردان در پی‌جویی از دانش‌ها و معارف سودمند به او تکیه کنند و رای و نظر او را ملاک و معیار ارزیابی علوم و دانش‌ها و شئون مختلف زندگانی خود بدانند. مضافاً بر این باید دانست میان معلم و شاگردان حقوق متقابل دیگری از قبیل حق مصاحبت، هم‌نشینی، احترام در رفت‌وآمد، ملاقات، برخوردها، محبت و دوستی راستین، عاری از هرگونه خودبرتربینی و امثال آن‌ها باشند.

۵- نرم‌خویی زبینه‌ای هر انسانی است، پیروان پیامبر دارای دو صفت می‌باشند: اول سرسختی در مقابل دشمن و دوم دوستی و رأفت در میان دوستان. شاید در بین فضایل انسانی فضیلتی به این بزرگی خصوصاً برای معلمان نداشته وجود نداشته باشد. رحمت و رأفت صفتی است خداوند در قرآن نزدیک به هزار بار این صفت را بر خود اطلاق کرده است. معلمی که سال‌ها کلاس را اداره می‌کند باید این صفت بر لازم بدارد.

فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- اصفهانی راغب حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت لبنان، ناشر دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- بهشتی، محمد، ابوجعفری، مهدی، تقیبی، علی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، جمل من انساب الاشراف، اول، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶ م.
- پاینده، ابولقاسم، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰ ش.
- رهنمایی، سید احمد، آرا و اندیشه های تربیتی اندیشمندان مسلمان؛ مکتب تربیتی علامه طباطبایی، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۹۰ ش.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الإیتقان فی علوم القرآن، اول، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۶ ه. ش. (۱۹۹۶ م).
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، منیه المرید، مترجم: محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم، سید باقر موسوی همدانی. قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، مباحث علمی در تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

- عباس نژاد، محسن، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، مشهد، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه ودانشگاه، ۱۳۸۴ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دوم، شر هجرت، قم - ایران، ۱۴۱۰ ه.ق.
- فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، اول، منشورات دار الرضی، قم - ایران، ه.ق.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ششم، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، ۱۴۱۲ ه.ق.
- قطب، سید، اسلام آئین فطرت، مترجم سید ابراهیم میر باقری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- قطب، سید چراغی بر فراز راه، مترجم: حسن اکبری مرزناک، موسسه خدمات فرهنگی ۲۲ بهمن، ۱۳۵۹ ش.
- قطب، سید ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، مترجم: سیدمحمدخامنه‌ای، انتشارات بعث، ۱۳۵۸ ش.
- قطب، سید، اخلاق و تربیت در اسلام، مترجم: روح الله مازندرانی، اول، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
- قطب، سید، تصویری الفنی فی القرآن، مجله المقتطف، شماره ۲۵، مصر، ۱۹۳۹ ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، مترجم: مصطفی خرم دل، تهران، انتشارات احسان، ۱۳۸۶ ش.
- قطب، سید، مشاهد القیامه فی القرآن، قاهر، دارالشرق، ۱۴۱۵ ق.
- قطب، سید، نشانه‌های راه، مترجم: محمود محمودی، تهران، انتشارات احسان، ۱۳۷۸ ش.

- قطب، محمد، روش تربیت اسلامی، مترجم: محمد مهدی جعفری، انتشارات پیام، تهران، بی تا.
- قطب، سید، دراسات الاسلامیه، مکتبه لجنه الشباب المسلم، قاهره، ۱۹۵۳ م.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیجا، ناشر دار الثقلین، ۱۳۶۵ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی نیا، اسدالله، جایگاهی مبلغ و معلم در قرآن، اول، قم، سبط اکبر، ۱۳۹۰ ش.
- مشایخی، شهاب‌الدین اصول تربیت از دیدگاه اسلام، مجله حوزه و دانشگاه شماره ۳۲ پاییز ۱۳۸۱ ش.

